

نقش مقتضیات زمان و مکان در تحول حقوق مسئولیت مدنی

میلاذ دهقانی. دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست متری قائم، بلوار

قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷ - ۰۹۳۵۳۵۲۶۲۳۴ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - milad.dehghani@mail.um.ac.ir

دکتر عباسعلی سلطانی. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد. ۰۹۱۵۳۱۳۷۰۷۷ - soltani@um.ac.ir

مرضیه فردوسی دولت شانلو. دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست

متری قائم، بلوار قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷ - ۰۹۱۹۰۰۴۰۲۵۳ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - m.ferdowsi@mail.um.ac.ir

چکیده

توسعه زندگی اجتماعی بشر - که معلول تکامل زیستی انسان در جنبه‌های علم و تکنولوژی و ادبیات و فرهنگ و اقتصاد و ... می‌باشد - مقتضی تغییر در فرهنگ و ... انسان شده است. به طوری که جرایم از بسیط و فردی به سوی سازمان‌یافته و جمعی گرایش پیدا کرده و انسان افزون بر شخصیت حقیقی خود، واجد شخصیت حقوقی بلکه این بعد وی بر بعد فردی او رجحان و برتری پیدا نموده و چیره شده است.

این مقتضیات زمانی و مکانی سبب شده است تا تعهدات انسان چه قراردادی و چه قهری و در نتیجه مسئولیت‌های وی بیشتر شده و موجب تحول کمی و کیفی در تعریف و قلمرو و احکام مسئولیت مدنی شده است.

یکی دیگر از این مقتضیات زمانی و مکانی، رویارویی فرهنگ‌ها در کشورهای مسلمان در حال رشد با فرهنگ غرب است که موجب تحول و حرکتی نوین در راهبردهای استنباط و اجتهاد شده است. آنچه در این میان مهم است، ضرورت انطباق احکام شریعت و قواعد حقوقی با مقتضیات زمان و مکان می‌باشد. حقوق ایران که مبتنی بر فقه اسلامی است، به دنبال این است که نیازهای مردم و معضلات اجتماعی را حل کند و بهترین و منصفانه‌ترین و عادلانه‌ترین راه را بیابد. در واقع این قانونگذاری برای جامعه‌ای که می‌خواهد قانونش بر اساس فقه باشد، باید چه شرایط جدیدی را در پیش گیرد که هم عقلانی و هم شرعی باشد. در اینجا پای مقتضیات زمان و مکان به میان می‌آید.

این نوشتار بر آن است تا ضمن بررسی چالش‌های مقتضیات زمان و مکان با وضعیت موجود اجتماعی مسلمانان و راه‌های رسیدن به وضعیت مطلوب و آرمانی اسلام، آثار و احکام این رویارویی را مورد بررسی قرار دهد.

کلمات کلیدی: مقتضیات زمان و مکان، شخصیت حقیقی، مسئولیت مدنی.

اسلام دین جاودانه است و نسخ‌ناپذیر بودن قوانین آن، امری قطعی و از ضروریات اسلام است که سبب شده تا احکام اسلامی، منعطف بوده و از حالت خشکی و جمود که در نتیجه تأثیر زمان و مکان پدید می‌آید، بیرون آید. از آغاز طلوع اسلام تا به امروز، به‌خاطر گسترش و پیشرفت زندگی مادی بشری، مسائل و نیازهای جدیدی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، علمی و ... ایجاد شده است و فقه اسلامی بدون استمداد از هیچ منبع دیگر، وظیفه خویش را انجام داده و به این مسائل پاسخ داده است. در واقع، قدرت شگرف جوابگویی فقه اسلامی به مسائل جدید هر دوره‌ای، نکته‌ای است که اعجاب جهانیان را برانگیخته است. زمان و مکان دو عنصری هستند که بر تمامی جوانب زندگی، اعم از مادی و معنوی تأثیر گذاشته و نقش مهمی را در مسائل نوظهور ایفا می‌کنند. در این میان، قواعد مسئولیت مدنی از جمله قواعدی است که بی‌تأثیر از مقتضیات زمانی و مکانی نبوده، بلکه مقتضیات زمانی و مکانی سبب تغییر رویکردهای مبنایی و سستی در حقوق مسئولیت مدنی شده و قواعد، احکام و قلمروی مسئولیت مدنی را دستخوش تغییر و تحولات کرده است. هدف حقوق مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده به اشخاص و رعایت عدالت است؛ از این رو باید قواعد مسئولیت مدنی با این هدف، همسو شود؛ به‌همین دلیل قواعد مسئولیت مدنی ارتباط تنگاتنگی با عناصر زمان و مکان دارند و مطابقت با آنها امری ضروری است. تأثیرات مقتضیات زمانی و مکانی بر مسئولیت مدنی، سبب تحولاتی در زمینه مبنایی مسئولیت مدنی، مفهوم تقصیر، ضرر و ... شده است و قوانینی که مسئولیت مدنی در گذشته داشت، دیگر توان رویارویی با مسائل جدید را ندارد، بلکه آن قوانین سستی و کهنه شده و کارکرد قبلی خود را از دست داده‌اند و گاهاً ناعادلانه نیز جلوه می‌کنند. پس مسئولیت مدنی به‌منظور نیل به هدف خود-جبران خسارت زیان‌دیده- باید خود را با مقتضیات زمانی و مکانی تطبیق و همسو کند. البته این همسویی نباید به‌گونه‌ای باشد که با اصول مسلم شریعت اسلام، مغایرت و ناسازگاری داشته باشد. در این مقاله می‌خواهیم به این سوال پاسخ دهیم که مقتضیات زمان و مکان چه تأثیراتی در حقوق مسئولیت مدنی گذاشته و موجب چه تحولاتی شده است؟ و قواعد مسئولیت مدنی چگونه خود را با آنها هماهنگ نموده است؟ درباره پیشینه پژوهش باید گفت که درباره مسئولیت مدنی و مقتضیات زمان و مکان، کتاب، پایان‌نامه و مقالات زیادی نوشته شده است اما درباره این موضوع خاص که «نقش مقتضیات زمان و مکان در تحول حقوق مسئولیت مدنی» است، هیچ تحقیقی به‌صورت جزئی و دقیق صورت نگرفته است و موضوعی جدید می‌باشد که نیازمند بررسی است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری مطالب با رجوع به کتاب‌های حقوقی و فقهی و پایان‌نامه صورت گرفته است. هدف از این مقاله این است که بتوانیم حقوق مسئولیت مدنی را در جهت جبران خسارت زیان‌دیده با مقتضیات زمان و مکان تطبیق دهیم، به‌گونه‌ای که شریعت اسلام و عقل بشری نیز مؤید آن باشد.

مسئولیت مدنی و شرایط آن

یکی از مباحث مهم حقوق مدنی که امروزه بسیار مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته، مسئولیت مدنی است. در هر موردی که شخص، موظف به جبران خسارت دیگری است، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است. این قاعده عادلانه از دیرباز وجود داشته است که «هرکس به دیگری ضرر بزند، باید آن را جبران کند مگر در مواردی که اضرار به غیر به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است، ناروا و متعارف جلوه نکند.» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۳) مسئولیت مدنی شامل مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیرقراردادی (قهری) می‌شود. در صورتی که جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد باشد، مسئولیت مدنی قراردادی است و در صورتی که جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قانونی و وقایع غیرقراردادی باشد، مسئولیت مدنی قهری است.

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی چنین می‌گوید: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» برای تحقق مسئولیت مدنی، ارکان یا شرایطی نیاز است که این ارکان عبارت‌اند از: ۱- لزوم بروز خسارت یا ضرر ۲- ارتکاب فعل زیانبار یا ترک فعل زیانبار ۳- احراز رابطه علیت بین فعل یا ترک فعل زیانبار با زیان وارده. (خواجه‌پیری، ۱۳۸۹: ۳۶) بنابراین برای اینکه شخصی را ملزم به جبران خسارت وارده به دیگری بکنیم، باید شرایط گفته‌شده مهیا باشد و بدون آن شرایط نمی‌توان عامل زیان را مضمول جبران ضرر دانست و او را مکلف به امری کرد.

مقتضیات زمان و مکان

در عصر حاضر، مهمترین مسئله اجتماعی که مورد توجه اسلام‌شناسان قرار گرفته، مسئله «اسلام و مقتضیات زمان و مکان» است. مراد از مقتضیات زمان و مکان، تغییر و تحولی است که در نتیجه تغییرات زمانی و مکانی در جنبه‌های مختلف زندگی آدمی راه می‌یابد و مجتهد و فقیه را به ایجاد راهی نو و پاسخی جدید هدایت می‌کند. شهید مطهری درباره مقتضیات زمان می‌گوید: «مقتضیات زمان یعنی پیشامدها و پدیده‌ها و امور رایج زمان.» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۲۱) مکان، زیستگاه انسان است و زمان همانند ظرفی است که همواره در حال گذر است. زمان و مکان دو عنصر فراگیر و همه‌جانبه هستند که بر تمامی جوانب زندگی بشری تأثیر می‌گذارند و تمامی وقایع و حوادث فردی و اجتماعی از این دو عنصر تأثیرپذیرند. تأثیر زمان و مکان، ارتباط مستقیمی با تغییر موضوعات احکام دارد؛ به این صورت که با تغییر و تحول شرایط زمانی و مکانی، موضوعات احکام تغییر می‌کند، پس به تبع آن باید احکام جدیدی بر موضوعات جدید مترتب شود. احکامی که متناسب با آن شرایط و اوضاع و احوال زمانی و مکانی باشد و بتواند به نیازهای جدیدی که برای مردم آن زمانه ایجاد شده، به نحو احسن پاسخ دهد. زمان و مکان دائماً در حال گذر و تغییر هستند و هر زمان و مکانی، اقتضای اص خود را می‌طلبد. محیط، جامعه‌های انسانی را در خود فراگرفته، از مراکز طبیعی، اجتماعی، فرهنگی گرفته تا مراکز علمی، اقتصادی و سیاسی؛ همه این مراکز اثری شگرف در تحول فقه داشته‌اند. بر همین اساس، فقیه مدینه تحت تأثیر دستگاه خاص خود رنگ ویژه‌ای دارد ولی هنگامی که همان احکام فقهی به عراق و کوفه منتقل می‌شود، رنگ می‌بازد و رنگ دیگر به خود می‌گیرد. (احمدی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۳۰) در اینجا وظیفه ما این است که خود را با اقتضائات زمان و مکان هماهنگ نمائیم و در این راه، باید حد اعتدال را در پیش گیریم؛

نه جاهل و مفرط باشیم و نه جامد و متقشر؛ چرا که در هر زمان و مکانی، ممکن است حوادث و پدیده‌هایی روی دهد که گاه به صلاح بشریت و گاه به ضرر او باشد. بنابراین باید دید که عقل بشری چگونه می‌تواند خود را با تحولات زمانی و مکانی هماهنگ کند، به طوری که این هماهنگی سبب پیشرفت او گردد، نه انحطاطش. پس باید هوشیار بود و با مقیاس درست به سراغ مقتضیات زمان و مکان رفت. جامعه بشریت هرروزه در حال تغییر و تحول است. از زمان انسان‌های نخستین گرفته تا به امروز، جامعه دچار تحولات بیشماری شده است. در گذشته همه چیز ساده و ابتدایی بود اما رفته‌رفته و با گذر زمان و تغییر مکان، جامعه از حالت ابتدایی خود به حالت پیشرفته رسید. چنانکه امروزه می‌توان پیشرفت‌هایی را که در زمینه‌های مختلف علمی می‌شود را نظاره‌گر بود که چگونه زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. نیازهای امروز با گذشته تفاوت ماهوی پیدا کرده‌اند و این تفاوت‌ها به خاطر تغییرات زمانی و مکانی است که دامنگیر بشریت شده است. اما آنچه که در طول گذر زمان و مکان تغییر می‌کند، احتیاجات و نیازهای آدمی است. احتیاجات بشر دو گونه است: احتیاجات ثابت و احتیاجات متغیر. نیازهای اولی بشر ثابت است و نیازهای ثانوی او متغیر. نیازهای متغیر، پاسخ‌های متغیری را هم می‌طلبد و اگر کسی بخواهد با همان روش گذشته به آن نیازهای متغیر پاسخ دهد، با شکست مواجه خواهد شد و به رکود خواهد رسید. پس ناگزیر باید خود را با مقتضیات زمان و مکان تطبیق داد اما به گونه‌ای که شریعت اسلام و عقل بشری هم آن را تأیید کند و با آن همسو شدن مخالف نباشد؛ بنابراین نیازهای جدید، پاسخ‌های مناسب و خاص خود را می‌طلبد و همسو شدن قوانین اسلام در جهت مقتضیات زمان و مکان و رسیدن به پیشرفت بیشتر نشانه ترقی و پویایی فقه اسلامی است؛ یعنی منابع فقه اسلامی آنچنان غنی است که می‌تواند به نیازهای هر زمان و مکانی به بهترین شکل ممکن پاسخ دهد و این، همان دین دیده‌آل بشری است که می‌تواند انسان‌ها را به خواستگاه انسانیت رهنمود نماید. از این رو قواعد حقوق مسئولیت مدنی نیز باید پاسخگوی نیازهای واقعی مردم در هر زمان و مکانی باشد و خود را با مقتضیات زمان و مکان هماهنگ کند تا در حق هیچ‌کسی اجحافی صورت نگیرد. پس هر برهه زمانی و مکانی، قوانین خاصی در حقوق مسئولیت مدنی می‌طلبد و حقوقدانان مطابق با شرایط طمانی و مکانی، اقدام به وضع قوانین جدید در حوزه مسئولیت مدنی کرده و سعی در نفی ضرر و جبران خسارت شخص زیان‌دیده می‌کنند. بنابراین قوانین مسئولیت مدنی، هیچگاه مسکوت نبوده، بلکه همواره حامی حقوق زیان‌دیده و رفع زیان از او می‌باشد و با تطبیق شرایط طمانی و مکانی جدید، این کار را به بهترین نحو انجام داده است.

مبانی تأثیرپذیری موضوعات و احکام از مقتضیات زمان و مکان

تطبیق و هماهنگی احکام اسلامی با موضوعات جدید که در اثر مقتضیات زمان و مکان به وجود می‌آید، جزء اصول مسلم دین مبین اسلام است؛ چرا که عدم هماهنگی و همسو نشدن احکام در راستای تغییر موضوعات در هر برهه زمانی و مکانی سبب افول و شکست اسلام و در نهایت به فراموشی سپردن آن می‌شود. تأثیرپذیری زمان و مکان موضوعات و احکام عرفی از اقتضات زمانی و مکانی زیربنای عقلی و نقلی دارد که در ذیل به اختصار به ذکر آن‌ها پرداخته می‌شود:

مبانی عقلی:

در نزد فقهای شیعه، عقل یکی از منابع مهم احکام اسلامی به‌شمار می‌رود که نقش به‌سزایی در اجتهاد و استنباط احکام الهی دارد. بر اساس بداهت عقلی، احکام اسلامی باید با موازین عقلی منطبق باشند؛ یعنی عقل بشری بتواند مهر تأیید بر آن‌ها بزند و آن احکام برخلاف حکم عقلی نباشند. در بحث مقتضیات زمان و مکان که گفته می‌شود، دین مبین اسلام خود را با شرایط

و اوضاع و احوال جدید همسو و منطبق می‌کند، این همسو شدن باید به گونه‌ای باشد که با عقل بشری در تعارض نباشد؛ چرا که میان احکام شرعی و احکام عقلی ملازمه وجود دارد. چنانکه، قاعده معروف ملازمه «کلما حکم بهالعقل حکم بهالشرع و کلما حکم بهالشرع حکم بهالعقل» مؤید این اصل می‌باشد. از طرفی در بحث حسن و قبح عقلی یا مصلحت و مفاسد احکام، اگر عقل بشری حکم به حسن و قبح چیزی دهد و فلان چیز را حسن و دیگری را قبح بداند، دیگر فقه اسلامی نمی‌تواند حکمی مغایر با آن صادر کند؛ چرا که عقل بشری پذیرای آن نیست. پس وقتی عقل به حسن یا قبح چیزی حکم کند-یعنی وقتی آراء همه عقلا از آن حیث که عقلا هستند، بر حسن چیزی در جهت حفظ نظام و بقاء نوع بشر و یا بر قبح چیزی به‌خاطر اخلال در حفظ و بقاء نوع بشر متفق باشد-شارع مقدس که عاقل و حکیم است، بر طبق آن حکم می‌کند؛ چرا که شارع نیز از عقلا، بلکه رئیس آنان است، پس بایستی بر طبق حکم عقلا حکم کند. (مظفر، ۱۴۳۰، ج ۲: ۲۹۳) قواعد مسئولیت مدنی نیز که مبتنی بر واقعیات جامعه و در جهت جبران خسارت است، باید با حکم عقلی سازگار و منطبق باشد. بنابر اعتقاد محققان شیعه و سنی، احکام تابع مصالح و مفاسد است، حال اگر در بعضی از موارد موضوع حکم وجود داشته باشد اما مصلحت و مفاسد به موجب زمان یا مکان تغییر یابد، طبیعی است که حکم نیز دگرگون می‌شود؛ زیرا آن موضوع با وصف آن مصالح و مفاسد، محل حکم بوده و اگر این وصف از بین برود، دیگر محل آن حکم نخواهد بود. (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۷۹) پس اگر مصالح و مفاسد قواعد مسئولیت مدنی تغییر کند، به تبع آن باید قوانین جدیدی مطابق با مصالح و مفاسد زمانه تنظیم گردد. از سوی دیگر، قواعد و احکام از احیاجات بشر تبعیت می‌کند و احتیاجات بشریت هم در هر زمان و مکانی متفاوت است و هر برهه زمانی و مکانی نیازهای خاص خود را دارد. برای پاسخگویی به این نیازهای جدید، باید قوانین و احکام جدیدی نیز وضع گردد که متناسب و در جهت رفع آن‌ها باشد. در بحث مسئولیت مدنی نیز، باید قواعد و احکام حقوق مسئولیت مدنی در جهت جبران خسارت اما بر اساس نیازهای زمانه باشد.

مبانی نقلی:

در دین اسلام، روایاتی وجود دارد که به گونه‌ای مؤید تأثیرگذاری زمان و مکان بر موضوعات و احکام است. از جمله این روایات، سخن پیامبر اکرم α در حجة‌الوداع می‌باشد که می‌فرمایند: «ای مردم! به‌خدا سوگند، چیزی نبود که شما را به بهشت نزدیک و از جهنم دور کند مگر اینکه به آن چیز امر کرده باشم و چیزی نبوده که شما را شما را به جهنم نزدیک و از بهشت دور کند مگر اینکه آن را از شما نهی کرده باشم.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۴) در روایت دیگری این‌چنین آمده است: «هر آنچه را که خدا حلال کرده، پس آن حلال است و آنچه را حرام کرده، پس حرام است اما آنچه را که سکوت کرده، شما را از تکلیف به آن معاف کرده است، آن را همین‌گونه قبول کنید که خداوند چیزی را فراموش نمی‌کند. (ابن‌کثیر، بی‌تا، ج ۳: ۱۳۸) بر طبق این روایات، موضوعات و احکام باید بر طبق شرایط زمانی و مکانی جدید، تغییر نمایند و خود را در راستای آن زمان و مکان حرکت دهند.

تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر مسئولیت مدنی

حقوق مسئولیت مدنی یکی از مواردی است که از مقتضیات زمان و مکان تأثیر پذیرفته است. این تأثیرپذیری، تغییر و تحولی در قواعد مسئولیت مدنی ایجاد نموده که موجب شده، مسئولیت مدنی چهره‌ای جدید به‌خود بگیرد. قواعد مسئولیت مدنی از

گذشته تا به امروز در اثر تأثیرپذیری از زمان و مکان، دستخوش و دگرگونی‌هایی در زمینه ارکان، شرایط و مبنای مسئولیت مدنی شده است که در ذیل به صورت اختصار به ذکر آن‌ها می‌پردازیم

تأثیر زمان و مکان بر موضوع ضمان (ضرر)

در مباحث قبلی بیان نمودیم که در اثر مقتضیات زمان و مکان، موضوعات تغییر می‌کنند و تغییر موضوعات نیز تغییر احکام را به دنبال دارد. در بحث مسئولیت مدنی نیز، زمان و مکان بر موضوع ضمان قهری تأثیر گذاشته و موجب شده‌اند که موضوع ضمان قهری که ضرر می‌باشد، تغییر کند. ضرر یکی از ارکان ثابت حقوق مسئولیت مدنی است و به موجب وقوع ضرر است که مسئولیت مدنی بر شخص بار می‌شود و مکلف به جبران خسارت می‌گردد. امروزه مفهوم ضرر، تغییر و توسعه پیدا کرده و درک و فهمی که مردم در گذشته از ضرر داشتند با مفهوم ضرر امروزی متفاوت است. در گذشته، ضرر بالفعل ملاک بود و در صورتی که شخص به صورت بالفعل به کسی ضرر وارد می‌کرد، مسئول شناخته می‌شد اما امروزه ضررهای بالقوه نیز وجود دارد که مسئولیت مدنی برای آن‌ها قواعدی در نظر گرفته است. در واقع مطالبه ضررهای بالقوه، خسارات پیشگیرانه‌ای هستند که هدفی جز بهبود وضع زیان‌دیده ندارند؛ مثلاً می‌توان علیه شخصی که محیط زیست را آلوده می‌کند، طرح دعوی مسئولیت مدنی کرد، هرچند که فعل او در آینده بر افراد اثرات منفی بگذارد، بنابراین می‌توان دامنه و قلمرو ضرر را به نسل‌های بعدی توسعه داد. همچنین در گذشته، ضرر نسبت به یک شخص بود اما امروزه ضررهایی وجود دارد که گریبان‌گیر صدها نفر می‌شود. در اینجا چگونه عامل زیان می‌تواند جوابگوی تمامی این افراد باشد؟ این وظیفه حقوق مسئولیت مدنی است که قواعد جدیدی تنظیم کند تا تمامی ضررها رفع و جبران گردد. مثل آلودگی‌های حاصل از دود کارخانه‌ها و ماشین‌آلات صنعتی و اتومبیل‌ها. در اینجا شناسایی فاعل زیان نیز کاری دشوار به نظر می‌رسد؛ چرا که به صورت مشخص نمی‌توان کسی یا چیزی را مسئول صدمات حاصله به انسان و محیط‌زیست دانست.

امروزه مصادیق ضرر تغییر کرده است. گذر زمان و تغییر مکان موجب می‌شود که برخی مصادیق ضرر که در گذشته ضرری بود، امروزه نه تنها ضرری نباشد، بلکه دارای منفعت و مصلحت باشد. عکس این قضیه نیز صادق است. چه بسا موارد و مصادیقی که قبلاً و در مکانی دیگر دارای منفعت یا غیرضرری بوده اما امروزه با تغییرات مکانی به منفعت تبدیل شده و به اصطلاح تغییر ماهیت داده است. مثلاً در گذشته خرید و فروش خون انسان به دلیل اینکه هیچ‌گونه منفعتی نداشت، حرام بود اما امروزه به دلیل اینکه جان بسیاری از آدم‌ها را نجات می‌دهد، دارای منفعت و مصلحت است. اقتضائات زمانی و مکانی، باعث توسعه مفهوم فعل زیانبار نیز شده است، مثل نقص حاصله از علم و تکنولوژی. در اینجا که فعل زیانبار ناشی از شخص خاصی نیست، چگونه می‌توان مسئولیت مدنی ایجاد کرد و کسی را ملزم به جبران خسارت دانست. چه بسیار کارهایی که امروزه قانونی است اما نتایج زیانباری بر روی محیط‌زیست و انسان‌ها می‌گذارد. اگر حقوق مسئولیت مدنی برای این اقدامات، قوانینی وضع نکند و آن‌ها ضمان‌آور نباشند، بی‌شک بی‌عدالتی است. پیشرفت و توسعه تمدن بشری و تغییراتی که در مفهوم ضرر ایجاد شده، سبب شده است که دیگر نتوان با روش‌های قدیمی جبران خسارت، خسارت وارده را جبران نمود. بنابراین باید به سراغ روش‌های جدیدی رفت تا مطابق با شرایط امروزی، خسارات را جبران نماید. شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان) و تابع اهداف مسئولیت مدنی‌اند. از آنجا که انواع مختلف ضررهای مادی، معنوی و جسمانی با روش واحدی قابل جبران نیستند، ضروری است که برای هر یک از ضررهای مختلف،

روش‌های جبران خسارت جدیدی ایجاد شود. (حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰: ۶۳) امروزه حقوق مسئولیت مدنی از روش‌های جدیدی چون روش بدلی و نمادین برای جبران خسارت استفاده می‌کند. روش عینی جبران خسارت در تمامی موارد و مصادیق ضرر، روش درست و کاملی به نظر نمی‌رسد؛ چرا که گاهاً پیش آمده است که ضرری ایجاد شده اما با روش عینی نمی‌توان آن ضرر را جبران کرد؛ یعنی امکان جبران خسارت به روش عینی وجود ندارد. مثلاً اگر کسی در جایی که فقط یک گونه پلنگ مازندران وجود دارد، اقدام به شکار آن نماید و باعث انقراض نسل آن شود، چگونه می‌توان با روش عینی، آن ضرر را جبران نمود؟

جبران عینی یا اعاده وضع سابق این است که ضرر به‌نحوی جبران شود که گویی از اصل، زیان وارد نیامده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۵۲۶) جبران از طریق دادن معادل (پول و مثل) رایج‌ترین و مهم‌ترین روش جبران خسارت زیان‌دیده در مسئولیت مدنی است و تقریباً در همه نظام‌های حقوقی، جبران زیان از طریق دادن معادل، مهم‌ترین اصل زیربنایی مسئولیت مدنی است. (حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰: ۷۸) در اتلاف و تسبیب در غالب موارد، امکان جبران عینی ضرر وجود ندارد و تنها راه، دادن معادل ضرر به زیان‌دیده است. مبنای این فکر آن است که برابر ارزش آنچه که بر اثر فعل زیانبار از دارایی او کاسته شده به دارایی‌اش اضافه شود و وضع زیان‌دیده تا سر حد امکان به وضع سابق او نزدیک شود. (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۱: ۹۳) جبران خسارت نمادین نیز روشی است در جهت کمک به حقوق زیان‌دیدگان، مثل دریافت مالیات سبز یا کمک‌هایی که از سوی کارخانجات و صنایع آلاینده در جهت حفظ سلامت محیط زیست صورت می‌گیرد. همچنین در مواردی که ضرر معنوی به اشخاص صورت می‌گیرد، نمی‌توان با دادن عین آن یا دادن پول، ضرر معنوی را جبران نمود. پس باید به‌دنبال روش‌های نوینی بود که مناسب حال زیان‌دیده و تسلی‌خاطر او باشد. پس امروزه با روش‌های جبران عینی، نمی‌توان ضرر را جبران کرد و باید از روش‌های نوینی چون جبران بدلی و نمادین مدد گرفت و در سایه این روش‌ها بتوان از حقوق زیان‌دیده حمایت کرد.

تأثیر زمان و مکان بر مفهوم تقصیر

نظام حقوقی مسئولیت مدنی ایران بر مبنای نظریه تقصیر است. ماده ۹۵۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی». در ماده ۹۵۱ این قانون درباره تعدی چنین آمده است: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» و در ماده ۹۵۲ نیز تفریط را بیان می‌دارد: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به‌موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است». بنابراین می‌توان گفت که: «تقصیر عبارت است از انجام دادن عملی که شخص نباید مرتکب شود (تعدی) یا ترک عملی که شخص باید انجام دهد (تفریط). (صفایی، ۱۳۹۳: ۱۵۱) مفهوم تقصیر همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، در حال حرکت و تغییر است و باید آن را تابعی از عدالت شمرد، عدالتی که اقتضای آن با تغییر شرایط زندگی، دگرگون می‌شود. نیازهای اقتصادی و دگرگونی بافت اجتماعی سبب شده است تا مفهوم خطا و صواب چهره‌ای نسبی و قابل انعطاف پیدا کند و داورهای اخلاقی جاذبه و اثر پیشین خود را از دست بدهد و برخلاف آنچه ادعا می‌شود، رنگ تعلق پذیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۹) درباره مبنا دانستن تقصیر در مسئولیت مدنی میان حقوق‌دانان اختلاف است. برخی آن را زیربنای مسئولیت مدنی دانسته و برخی دیگر این مبنا را برای مسئولیت مدنی رد می‌کنند. تغییرات و تحولاتی که امروزه در زندگی بشری به‌وجود آمده، باعث شده است که مفهوم تقصیر که بعضی آن را مبنای مسئولیت مدنی قلمداد کرده‌اند، با تغییراتی مواجه شود. امروزه ممکن است، ضررهایی ایجاد شود که شخص آسیب‌رسان در آن هیچ تقصیری نداشته باشد. پس

باید مفهوم تقصیر را در مسئولیت مدنی حذف کرد و فقط ضرر وارد شده را مدنظر قرار داد؛ چرا که با در نظر گرفتن تقصیر، ممکن است که نتوان کسی را مسئول جبران خسارت دانست. در این صورت است که مسئولیت مدنی به بی‌عدالتی سوق پیدا می‌کند. پس باید به دنبال حذف اثبات تقصیر و ایجاد مسئولیت بدون تقصیر برای عامل زیان بود. در واقع قانونگذار به دلایل مصالح و نیازهای امروز جامعه، سعی نموده تا با برقراری مسئولیت مطلق یا محض برای عامل زیان، این اطمینان را از جبران خسارت وارد شده برای زیان‌دیده یا گروه زیان‌دیدگان فراهم نماید و در عین حال به‌عنوان اهرمی پیشگیرانه از این مسئولیت محض یا مطلق برای عامل این قبیل زیان‌ها استفاده نماید. (اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۳) از طرفی به‌خاطر تحولات زمانی و مکانی، مفهوم تقصیر به مسئولیت مدنی قراردادی تسری پیدا کرده و در مسئولیت مدنی قراردادی، باید علاوه بر عهدشکنی متعهد، تقصیر را هم لحاظ کرد. چنانکه این موضوع در گذشته ممکن نبود و تنها عهدشکنی متعهد در نظر گرفته می‌شد و بدون تقصیر متعهد حکم به جبران خسارت می‌گردید. همچنین امروزه رویه قضایی به‌گونه‌ای شده است که شخص هم‌زمان می‌تواند مسئولیت مدنی قهری و قراردادی را با هم دنبال نماید و محدودیت‌های گذشته در میان نیست و از بین رفته است.

تأثیر زمان و مکان بر قواعد طرح دعوی مسئولیت مدنی

در گذشته هرکسی باید به‌طور جداگانه طرح دعوی مسئولیت مدنی می‌کرد اما امروزه در صورتی که دعوی اشخاص مشابه یکدیگر باشد، می‌توان از تکرار درخواست‌های جبران خسارت جلوگیری کرد. البته مشابه بودن دعوی، به‌معنای حکم مشابه قلمداد نمی‌شود؛ چرا که هر کدام از دعوی مشابه در بطن خود دارای جزئیاتی می‌باشند که روش آیین دادرسی مدنی را تغییر داده و میزان جبران خسارت را هم تغییر می‌دهند. بنابراین می‌توان با وضع قواعد آیین دادرسی مدنی به‌روز، این امکان را فراهم نمود که فرد زیان‌دیده بتواند صرفاً با اثبات میزان ضرر از انجام فرآیند مشابه دیگر افراد زیان‌دیده، احتراز نماید. (اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۲)

تأثیر زمان و مکان بر نوع دادرسی

اقتضائات زمانی و مکانی بر نوع دادرسی در حقوق مسئولیت مدنی بی‌اثر نبوده، بلکه موجب شده است که قوانین مسئولیت مدنی به عدالت نزدیکتر گردد. امروزه در حقوق مسئولیت مدنی ارزش‌های والایی چون انصاف و عفو و عدالت وارد شده است و سبب شده که قواعد مسئولیت مدنی از حالت خشکی و جمود در آمده و انعطاف‌پذیر باشد. انصاف و عفو از فضایل اخلاقی به‌شمار می‌روند که بقای جامعه بشری نیازمند آن‌ها است. با اینکه زندگی مادی بشر و افکار پیرامون اصالت فرد باعث جدایی قواعد حقوق و اخلاق شده اند، هنوز هم اخلاق را باید مهم‌ترین منبع حقوق به‌شمار آورد. قانونگذار خواه و ناخواه از نفوذ اخلاقی محیط خود مصون نیست و ناچار است که برای حفظ نظم و تأمین اجرای قانون، قواعد اخلاقی جامعه را رعایت کند؛ یعنی تا حد امکان به کاری فرمان دهد که مردم آن را نیکو می‌شمارند و عادت‌های را نهد که وجدان عمومی از آن گریزان است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۶۰) اگر قاضی در مقام قضاوت، فقط به قانون تکیه کند و به این ارزش‌های اساسی توجهی نکند، سبب می‌شود که روند دادرسی از عدالت خارج شده و به‌سوی عدالتی که مغایر با هدف مسئولیت مدنی است، سوق داده شود. درست است که قاضی مأمور اجرای قوانین و پایبند به اراده است اما حکم همه مسائل اجتماعی را در قانون نمی‌توان یافت. در بسیاری موارد، او حق دارد و مکلف است که راه‌حل مناسبی برای دعوی بیابد و در این راه بی‌شک از انصاف الهام می‌گیرد و قانون را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کند که به نظر او منصفانه و عادلانه است. (آجورلو، ۱۳۷۸: ۹۹) در گذشته

مسئولیت مدنی تنها متکی به قانون بود و برای دادرسی عادلانه به ارزش‌های انصاف و عفو و عدالت نیاز است. وقتی این فضایل اخلاقی دوشادوش قانون در روند دادرسی قرار می‌گیرند، حکم دادگاه به حکم الهی نزدیکتر می‌گردد؛ چرا که هر زمان و مکانی، شرایط خاص خود را دارد و قاضی با در نظر گرفتن آن شرایط، می‌تواند اقدام به صدور حکم عادلانه نماید و این ممکن نیست مگر با استفاده از فضایل اخلاقی چوت عدالت، انصاف و عفو.

تأثیر زمان و مکان بر تغییر رویکرد مسئولیت مدنی و افزایش مسئولیت جمعی

مسئولیت مدنی در گذشته بیشتر معطوف به مسئولیت فردی بود اما با تحولات زمانی و مکانی به‌سوی جمعی گرایش پیدا کرد؛ چه بسا ضررهایی که امروزه دامنگیر بشریت شده است اما با قواعد گذشته مسئولیت مدنی نمی‌توان راهکار درستی برای آن ارائه داد. امروزه مفهوم جدیدی بنام ضمان اجتماعی یا مسئولیت اجتماعی ایجاد شده است که بر طبق آن، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سازمان‌ها مشخص می‌گردد. به دلیل رشد و توسعه سازمان‌ها و افزایش نقش‌ها در اجتماع، پیامدهای اجتماعی فعالیت‌های سازمان‌ها و تأثیرات آن بر ذینفعان مختلف، اهمیتی روزافزون یافته است. امروزه جامعه نسبت به اقدامات سازمان‌ها بسیار حساس‌تر از قبل شده است و رد مقابل فعالیت‌های غیراخلاقی سازمان‌ها به‌سرعت واکنش نشان می‌دهد. (ابری، ۱۳۸۶: ۵) مثلاً دود حاصله از کارخانجات بر روی محیط زیست، جانوران و انسان‌ها زیان‌های بسیار جدی‌ای می‌گذارد که این زیان‌ها در بلندمدت در جامعه باقی می‌ماند و گاهی پایدار است. در اینجا دیگر زیان متوجه فرد خاصی یا چیز خاصی نیست بلکه جامعه بشری در معرض ضرر است. بنابراین باید حقوق مسئولیت مدنی برای اینگونه اقدامات، قوانینی وضع نماید تا زیان‌ها تا حدودی جبران شوند. یکی از قوانینی که مسئولیت مدنی در این موارد وضع نموده است، مالیاتی است که از کارخانجات و صنایع آلاینده می‌گیرد. در واقع دریافت مالیات سبز که از آن گاهاً به روش جبران خسارت نمادین نیز تعبیر می‌شود یکی از تنها قوانینی است که مسئولیت مدنی برای اینگونه ضررها وضع کرده است. امروزه رویکرد مسئولیت مدنی فردی به مسئولیت مدنی جمعی تغییر یافته است و این تغییرات که به‌خاطر شرایط زمانی و مکانی جدید است در جهت حمایت از حقوق زیان‌دیده می‌باشد.

تأثیر زمان و مکان بر تعهدات قراردادی

مقتضیات زمان و مکان بر تعهدات قراردادی، تأثیرات زیادی گذاشته‌اند و موجب شده‌اند که متعهد در صورت تأخیر در انجام تعهد یا هر عمل دیگری که به تعهد نقص وارد می‌کند، مسئول شناخته شده و در جهت جبران خسارت که ممکن است گاهاً از تعهد اصلی نیز بیشتر باشد، برآید یا اینکه برای جبران ضرر زیان‌دیده، دامنه خیرات فسخ را توسعه داده تا در هر جایی که ضرری به یکی از طرفین معامله وارد شده، زیان‌دیده بتواند با اعمال خیار فسخ به حقوق برسد. در مسئولیت مدنی، یکی از تعهداتی که متعهد ملزم به آن می‌شود، تعهد به نتیجه است و به‌موجب آن، متعهد باید در هر صورت به نتیجه تعهدش مثل ساختن ساختمان عمل نماید و اگر در این مسیر هرگونه اتفاقی بیفتد، نمی‌تواند خود را از ساختن ساختمان، مبرا کند. اما امروزه اقتضائات زمانی و مکانی سبب شده است که در تعهد به نتیجه، عناصر تأثیرگذار را هم در نظر گرفت. عدالت قانونی اقتضا می‌کند که فارغ از تعهد متعهد، عوامل دیگر را هم مدنظر داشت تا در این میان اجحافی صورت نگیرد. تعهد عرفی که برآیند شرایط زمانی و مکانی است، به سه صورت تفسیر، تکمیل یا تعدیل قرارداد، غیرقابل انکار است. در اینجا حقوق

مسئولیت مدنی باید چاره‌اندیشی کند و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، بهترین قانون و راه‌حل را ارائه نماید. (ر.ک: پایان‌نامه نقش زمان و مکان در مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق ایران و فرانسه: ۱۸۹)

نتیجه گیری

حقوق مسئولیت مدنی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق است که تحولات زمانی و مکانی بر آن تأثیرگذار می‌باشد. در عصر حاضر، مسئولیت مدنی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد؛ چرا که روابط میان افراد را منظم کرده و بهترین نظامی است که به حمایت از حقوق زیان‌دیده و در جهت جبران خسارت می‌پردازد. جامعه بشری از گذشته تا به امروز تغییرات زیادی کرده و هرروزه در حال تغییر و تحول است. تغییر و تحولاتی که در اثر شرایط زمانی و مکانی پیش می‌آید و آدمی را وادار می‌کند که خود را با آن هماهنگ نماید. حقوق مسئولیت مدنی نیز که متأثر از شرایط زمانی و مکانی است، باید خود را با مقتضیات زمان و مکان، هماهنگ کند و این هماهنگی باید به‌گونه‌ای باشد که شریعت اسلام و عقل بشر پذیرای آن باشد و با آن‌ها رد تعارض نباشد. پس حقوق مسئولیت مدنی باید بتواند در هر شرایط زمانی و مکانی، قوانینی وضع نماید که ضررهای وارده به اشخاص را جبران نماید و در حق هیچکس اجحافی صورت نگیرد. اقتضائات زمانی و مکانی موجب شده‌اند که فرد و جامعه در هر زمان و مکانی، نیازهای متفاوتی داشته باشد. در واقع اقتضائات زمان و مکان، موجب تحول موضوعات شده و تحول موضوعات، تحول احکام آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. حقوق مسئولیت مدنی در اثر مقتضیات زمان و مکان دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی در زمینه‌های مختلف شده است. تأثیرپذیری مسئولیت مدنی از مقتضیات زمان و مکان را می‌توان در موضوع ضمان قهری (مبنا قرار دادن ضرر)، توسعه مفهوم تقصیر، قواعد طرح دعوی مسئولیت مدنی، نوع دادرسی، شیوه‌های جبران خسارت، تغییر رویکرد مسئولیت مدنی، افزایش مسئولیت جمعی و تغییر در تعهدات قراردادی دانست. در واقع پیشرفت علم و تکنولوژی و تغییرات زمانی و مکانی موجب شده که دیگر قواعد سنتی مسئولیت مدنی نتواند، پاسخگوی نیازهای زمانه در جهت جبران خسارت باشد. پس باید متناسب با آن شرایط زمانی و مکانی قوانینی وضع گردد که به بهترین نحو از حقوق زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان حمایت نماید تا دادرسی عادلانه‌ای صورت گیرد و حکم قاضی به حکم الهی نزدیکتر گردد.

منابع و مأخذ

۱. آجورلو، رضا (۱۳۷۸)، انصاف و نقش آن در حقوق خصوصی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز.
۲. ابزری، مهدی؛ یزدان‌شناس، مهدی (۱۳۸۶)، "مسئولیت اجتماعی و اخلاق کار در مدیریت کیفیت نوین"، فصلنامه فرهنگ مدیریت، ص ۵-۲۴.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا)، تفسیر ابن کثیر، بیروت: دارالمعرفه.
۴. احمدی‌نژاد، علی (۱۳۷۹)، نقش زمان و مکان در استنباط احکام فقهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران.
۵. اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۳)، نقش زمان و مکان در مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق ایران و فرانسه، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم.
۶. حاجی‌عزیزی، بیژن (۱۳۸۰)، شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی و کارایی آن‌ها، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.
۷. حاجی‌عزیزی، بیژن (۱۳۸۰)، "روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی"، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، شماره ۳۶، ص ۶۳-۷۲.
۸. حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۷۱)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس.
۹. خواجه‌پیری، عباس (۱۳۸۹)، موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، چاپ دوم، تهران: انتشارت بین‌المللی الهدی.
۱۰. صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. قانون مسئولیت مدنی، (۱۳۳۹).
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، حقوق مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد ضمان قهری)، چاپ اول، تهران: انتشارت دانشگاه تهران.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، "تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی"، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۱، ص ۱۸۹-۲۱۴.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی مسئولیت مدنی، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، اسلام و مقتضیات زمان، ۲ جلد، تهران: صدرا.
۱۸. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰)، اصول الفقه، چاپ پنجم، قم: مؤسسه‌النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.
۱۹. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)، دائرةالمعارف فقه مقارن، قم: مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب (ع).